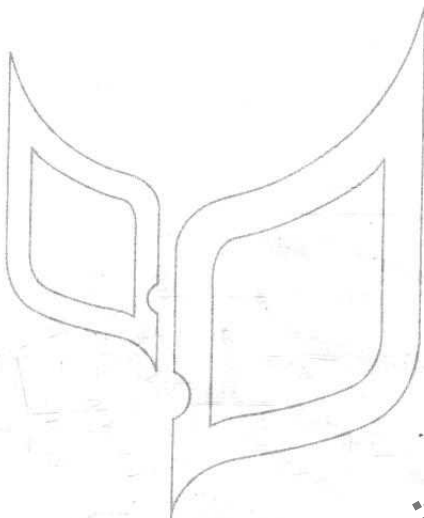


عزیز فیض

جلد دوم

www.ketab.ir

علیرضا رحیمیان



چراغ خلوتیان (جلد دوم)

نویسنده: علیرضا رحیمیان

نگارش: سعید رحیمیان

ویراستار: دکتر علی اکبر امیر اقبال

صفحه آرا: همایا سپاهی

طراح جلد: محمدرضا هادوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۲

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: صنوبر



آفاق معرفت

Āfāghe Marefat

تهران: خیابان پاسداران، خیابان گل نبی،
نبش جنوبی خیابان ناطق نوری (زمرد)،
شماره ۹ (ساختمان زمرد)، طبقه دوم

تلفن: ۲۲۸۴۷۰۳۵

@afagh_book

خرید اینترنتی: afaghbook.com

• سرشناسنامه: رحیمیان، علیرضا، ۱۳۲۵ • عنوان و پدیدآور: چراغ خلوتیان: جلد دوم / علیرضا رحیمیان؛
ویراستار علی اکبر امیر اقبال. • مشخصات نشر: تهران: آفاق معرفت، ۱۴۰۲ • مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص
• شابک: ۵-۰۸-۹۲۸۰۸-۶۲۲-۹۷۸ • یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۵ - ۱۹۸] همچنین به صورت زیرنویس
• موضوع: اخلاق اسلامی -- احادیث - تربیت اخلاقی -- جنبه های قرآنی - اخلاق اسلامی • رده بندی کنگره:
B۲۴۷/۸ • رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱ • شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۸۸۲۸۴ • اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



۲۱۰۰۰۰۰۰

• شرط فروش: حق هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است •

فهرست مطالب

صفحه

موضوع

۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	چراغی دیگر
۱۷	پیش‌گفتار جلد اول: «کلامکم نور»
۲۱	بخش اول: جلوه‌ای در هدایت و تربیت
۲۳	(۱) آیا نمی‌ارزد؟
۲۵	قتلی بزرگ‌تر
۳۰	(۲) آموزگار عقیده
۳۵	(۳) جایگزین من مفرما!
۳۶	تا ساغر تپُر است

- ۴۰ (۴) تربیت برای حیات ابدی
- ۴۱ دو نگاه به تربیت
- ۴۳ آخرت محوری
- ۴۴ غرق در نعمت
- ۴۵ بازی‌ها و بازیچه‌ها
- ۴۶ فراموشی آخرت
- ۴۶ بهداشت دینی!
- ۴۸ خانه‌ی بی‌خانمان‌ها
- ۵۰ آخرت‌بینی دنیا زده
- ۵۲ (۵) فرزندان پاره‌پاره‌ها!
- ۵۴ اصل‌گرایان
- ۵۶ تا زنده‌ام رفیق...
- ۵۸ ارزش‌ها و آرمان‌ها
- ۶۲ (۶) منشین با بدان
- ۶۴ دنیای قیرآلود
- ۶۵ استادت را عوض کن!
- ۷۰ (۷) اندرزگوی خاموش
- ۷۵ بخش دوم: جلوه‌ای در علم و عمل
- ۷۷ (۱) علم، کدام است؟
- ۷۸ جوشش بی‌مایه
- ۸۱ خود، خانواده، سپس دیگران
- ۸۴ (۲) نصیحت لغزنده

۸۷	۳) کلمات چهارگانه.....
۸۹	۴) علم صلاح و ضلال.....
۹۵	۵) قرارگاه حکمت.....
۹۹	۶) خود را مبین؛ که رستی.....
۱۰۶	۷) ارمغان و ارستگی.....
۱۰۸	چشم دل بازکن.....
۱۱۰	سلامت بندگی.....
۱۱۱	دور است سرِ آب در این بادیه، هشدار!.....
۱۱۴	۸) آخرتی باش.....
۱۱۹	رجوع شتافته به «نبی».....
۱۲۳	۹) پیشگاه حقیقت.....
۱۲۷	بخش سوم: جلوه‌ای در ولایت و محبت.....
۱۲۹	۱) عَلم هدایت.....
۱۳۳	۲) زیباها و زیبایی‌ها.....
۱۳۵	تو، به تاریکی علی علیه السلام را دیده‌ای.....
۱۳۹	بودم آن روز من از طایفه‌ی کُردکشان.....
۱۴۳	۳) حصار دین و تقوا.....
۱۴۶	زبان‌های ترازو.....
۱۴۷	۴) زیر شمشیر غمش.....
۱۵۱	۵) اکسیر محبت.....
۱۵۲	دست‌یابی به قانون‌های معنوی.....
۱۵۳	انکار جاهلانه.....

۱۵۶	اتصال به واقع
۱۵۸	«موضوعیت» یا «طریقت»؟
۱۶۱	قدمی پیش تر
۱۶۴	۶) مثل ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾
۱۷۰	۷) برتری امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۷۴	۸) بارگاه قبول
۱۷۵	نظر در آیینهای مادیات
۱۷۷	اعمال سلیقه در معنویات
۱۷۸	قاعده سازی و عقلی پنداری
۱۷۹	شبان سربلند
۱۸۰	... مگر با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۸۳	اصابت به سنت
۱۸۵	تلاش برای اصابت به سنت
۱۸۷	انبیاء علیهم السلام و اصابت به سنت
۱۸۹	فهرست آیات
۱۹۱	فهرست روایات
۱۹۵	فهرست منابع

ساقی بیبکه یار ز رخ پرده برگرفت

کار «چراغ خلوتیان» باز درگرفت

چراغی دیگر؛

اگر قرار باشد آرزو کنم که انگیزه‌ی جمع‌آوری پاره‌ای از مطالب
به ظاهر متفرّق - اما در واقع یک‌سو و یک‌جهت - را آشکار سازم،
عبارات زیر از مؤلف فرزانه‌ی کتاب گران سنگ «تحف العقول» در سبب
تألیف کتابش، می‌تواند گویای آن باشد؛

«مُتَوَخِّياً بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاهُ وَ طَالِباً ثَوَابَهُ وَ حَامِلاً
لِنَفْسِي عَلَيْهِ وَ مُؤَدِّباً لَهَا بِهِ وَ حَمَلَهَا مِنْهُ عَلَى مَا فِيهِ نَجَاتُهَا
شَوْقَ الثَّوَابِ وَ خَوْفَ الْعِقَابِ وَ مُنْهَباً لِي وَقْتِ الْغَفْلَةِ وَ
مُذَكِّراً حِينَ النِّسْيَانِ وَ لَعَلَّهُ أَنْ يَنْظُرَ فِيهِ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ فَمَا
عِلْمُهُ مِنْهُ كَانَ لَهُ دَرْساً وَ مَا لَمْ يَعْلَمْهُ اسْتِفَادَهُ فَيُشْرِكَنِي فِي
ثَوَابِ مَنْ عِلْمُهُ وَ عَمِلَ بِهِ.»^۱

این کار را انجام دادم تا به وسیله‌ی آن، خشنودی خداوند را جلب کنم و پاداش الهی را به دست آورم. و نیز این که به سبب اشتیاق به ثواب و ترس از عقوبت، نفس خویش را بر عمل به محتوای آن وادارم و با آنچه نجاتش در آن است تأذیب کنم؛ تا در هنگام غفلت، مایه‌ی هشیاری‌ام باشد و در وقت فراموشی، یادآور. و باشد که مؤمن مخلصی در آن نظر کند تا آنچه از آن می‌داند، برایش درسی باشد و از آنچه نمی‌داند، بهره‌ای گیرد، و مرا نیز در پاداش کسی که آن را فرا می‌گیرد و به کار می‌بندد، شریک نماید.

ای کاش نیت گوینده و آورنده‌ی مطالب کتاب پیش رو هم به همین جهات، متوجه باشد.

- به دنبال کسب رضای حق تعالی و دریافت پاداش الهی از این رهگذر،

- ادب کردن نفس خود از این طریق،

- آگاهی دادن به خویشتن به هنگام غفلت،

- و به این امید که شاید مؤمن باخلاصی آن را بخواند، تا:

✓ چنانچه این مطالب را می‌دانست، مایه‌ی یادآوری او باشد،

✓ و اگر نمی‌دانست، آن را بیاموزد،

✓ و من نیز در ثواب هر که آن را فراگیرد و بدان عمل کند،

شریک باشم...

راستی برای خلاصی از غفلت‌ها و تاریکی‌ها چه چاره‌ای

می‌تواند کارساز باشد؟

شب ظلمت و بیابان، به کجا توان رسیدن؟

مگر آن‌که شمع رویت به زهم «چراغ» دارد
پناه‌بردن به نور حکمتی که از ناحیه‌ی پیشوایان الهی بر ما تابیده
است، امید هدایت و هوشیاری را در این روزگار وانفسا زنده می‌کند.

«فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي
الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ بِوَأْيِلِ الْمَطَرِ»^۱

همانا خداوند، دل‌های مرده را به نور حکمت زنده می‌فرماید،
همان‌طور که زمین مرده را با باران شدید زنده می‌کند.

«يَحْيِي أَقْصَى لَكُمْ؛ إِنَّ الشَّمْسَ نُورُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِنَّ الْحِكْمَةَ
نُورُ كُلِّ قَلْبٍ»^۲

به حقیقت برایتان می‌گویم، همانا که خورشید، نور همه چیز و
حکمت، نور هر قلبی است.

امید آن است که نگاه صرفاً مادی ما به این چندروزه‌ی عمر،
متحوّل شود، و آرزوهایمان دیوارهای این دنیایی را بشکافد تا بتوانیم
صادقانه ادّعا کنیم که:

مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست؟

به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

و یا بگوئیم که:

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود

رخ تو در نظر من، چنین خوشش آراست

۱. تحف العقول: ۵۰۲ و ۵۰۳.

۲. همان: ۵۱۲.